



## گفتگو با استاد جعفر مرتضی عاملی

فرهنگ، از ویژگیهای برجسته آثار استاد است. در این گفتگوها چگونگی آثار استاد، دیدگاههای وی در تاریخنگاری ضرورتها، تاریخنگاری مشکلات پژوهش در تاریخ و مسائلی دیگر در حوزه تالیف و تحقیق و نشر آشنا خواهید شد.

آیند پژوهش

آیند پژوهش: ضمن تشکر، در ابتدا مایل هستم گزارشی گویا از آثار تحقیقی حضرتعالی داشته باشیم استاد: نخست باید اشاره ای کوتاه به انگیزه و هدف خود در گام نهادن به وادی تحقیق داشته باشم: هیچگاه برای من دنیای تحقیقات به عنوان یک دنیای علمی محض مطرح نبوده است. در پاسخ به احساسات بلند پروازانه و دیگر حالات نفسانی نیز به آن گام نگذاشته ام و به عنوان حرفه نیز آن را انتخاب نکرده ام. همواره عقیده ام این بوده است که میزان ارزشگذاری روی کارهای تحقیقی، همان محققینند و ارزش کار با تعالی هدف مشخص می شود. تحقیقاتی که بتواند در ارائه خدمت به انسانیت توفیق بیشتری بیابد و در پیشبرد زندگی به سوی هدف والاتر و حل مشکلات حیاتی انسانها -

استاد سید جعفر مرتضی در روستایی به نام دیر قانون از توابع جبل عامل به دنیا آمد و در روستای عیسا الجبل رشد کرد و بالید. وی خواندن و نوشتن و قرآن را در محضر پدر دانشور خویش آموخت. کتابخانه شخصی پدر بزرگوارش که آکنده از کتابهای علمی، دینی و تاریخی بود در پی ریزی شخصیت علمی و ادبی استاد تأثیری بسزایی نهاد. استاد تا ۱۷ سالگی در زادگاه خویش ماند و با راهنماییهای پدر در گسترش اطلاعات خود کوشید و مدتی نیز به شعر روی آورد و اشعاری سرود.

آنگاه در ۱۷ سالگی راهی حوزه کهنسال نجف شد و ۶ سال تمام از محضر پر فیض استادان آن دیار بهره گرفت. سپس به حوزه علمیه قم وارد شد و در تکمیل دروسهای حوزویش کوشید و اینک سالهاست که با سختکوشی شگرفی در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی قلم می زند. آثار استاد در پیراستن و تصحیح دیدگاهها نسبت به حوادث و رویدادهای تاریخ اسلام جایگاه بلندی دارند. تنبُّح و سبوح، ارزیابی دقیق، ریشه یابی هوشمندانه از حوادث و سیر آنها، تحریف زدایی و نمایاندن حقایق و واقعیتها، نشان دادن دستهای جعل و تحریف، و افشا، چهره های مزور و



# حَقَائِقُ هَامَةٌ

حَوْلَ  
الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ  
تَأْلِيفُ  
الْمَلَامَةِ السَّيِّدِ جَمْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

مؤسسة النشر الإسلامي  
الطبعة الخامسة المأذونة بنو محمد بن الحسين

چه در صحنه فکر و چه در صحنه عمل - موفق باشد، ارزش بیشتری خواهد داشت. از اینجاست که همواره رنجها و مشکلات تحقیق را با خشنودی استقبال کرده ام و به آن به عنوان يك وظیفه شرعی و انسانی نگریسته ام.

اکنون زمانی است که باید در حد توان برای اظهار حقایق کوشا باشیم. حقایقی که متأسفانه در اقیانوس هولناک اسطوره های خرافی غرق شده است و با توسط دستهای خیانتکار تحریف گران، اغلب نشانه ها و مشخصه های خود را در طول روزگار از دست داده است.

آنچه من نگاشته ام، با این نگرش بوده است. من احترام کاملی برای نقدهایی که بر کتابهایم نوشته شده است، می گذارم. گو اینکه هنگام نگارش به نکات زیادی توجه داشتم؛ اما عواملی مانع رعایت آن شده است؛ سرعتی که حاصل عشق من به کار و در نتیجه دریافت ضرورت آن بوده است، نقش اساسی در میان این عوامل داشته است. اگر زمان کافی برای تجدید نظر بود، کتابهای من اشتباهات لفظی کمتری داشت و سبک ارائه مطالب استحکام و یکپارچگی بیشتری می یافت. وجود يك همکار و همراه می توانست زمینه ذکر منابع بیشتری را فراهم سازد و شاید بنا بر ضرورت، قضایایی به صورت گذرا نقل نمی شد و اهتمام بیشتری به ترتیب منابع و مراجع می شد. ضرورت تحقیق و عشق به پالایش حقایق از خرافه ها، بر نگرانی من از این کاستیها غلبه داشت و من که تحقیق و تألیف را وظیفه می دانستم، با تمام توان در راه آن می کوشیدم.

کتابهایی را که تاکنون به طبع رسانده ام، عبارت است از:

۱. الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)؛ چهار جزء آن

چاپ شده و دو جزء دیگر آن آماده برای چاپ است.

۲. دراسات وبحوث في التاريخ والاسلام؛ دو جزء آن

منتشر شده و جزء سوم آن در حال انتشار است.

۳. ابن عباس و اموال البصرة؛

## ۴. الزواج الموقت في الاسلام؛

۵. الحياة السياسية للامام الرضا (عليه السلام)؛ که به

فارسی نیز ترجمه شده است.

۶. الحياة السياسية للامام الحسن (عليه السلام) في عهد

الرسول (ص) والحلفاء الثلاثة بعده؛ این کتاب نیز به فارسی

ترجمه شده است.

۷. الحياة السياسية للامام الجواد (ع)؛ به فارسی نیز

ترجمه شده است.

۸. اکذوبان حول الشريف الرضي؛

۹. حديث الافك (تاريخ ودراسة)؛

۱۰. المواسم و المراسم؛ به فارسی نیز ترجمه شده است.

۱۱. موقع ولاية الفقيه من نظرية الحكم في الاسلام؛

۱۲. ولاية الفقيه في صحبة عمر بن حنظله؛

۱۳. حقایق هامة حول القرآن الكريم؛

۱۴. الاسلام و مهدا المقابلة بالمثل؛ به فارسی نیز ترجمه

شده است.

۱۵. سلمان الفارسی في مواجهة التحدي؛

۱۶- اداره الحرمین الشریفین فی القرآن الکریم؛

۱۷- السوق فی ظل الدولة الاسلامیة؛ به فارسی نیز

ترجمه شده است.

۱۸- الآداب الطیبیة فی الاسلام؛

۱۹- تحقیقی در باره تاریخ هجری؛

۲۰- ابوذر؛ مسلمان یا سوسیالیست؛

۲۱- خنقش الخوارج فی الامتة لانی مشر (علیهم

السلام)؛

(الخوارج؛ تاریخها و سیاسیا؛ که هنوز منتشر نشده

است.)

همچنین اشتغال به نگارش سیره پیامبر اکرم - ص - بر

طبق روایات اهل البیت و نگارش کتابی در موضوع

اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی دارم.

آینده پژوهش؛ در پژوهشهای خود از چه روشی بهره

می گیرید؟

استاد: روش تحقیق را تا حدود زیادی موضوع آن و هدف

محقق تعیین می کند. به این لحاظ روش محققین در فرهنگ

اسلامی به روش خاصی منحصر نمی گردد. آنچه من بدان

پرداخته ام، موضوعاتی از فرهنگ اسلام است که به طریقی با

زندگی، بیانات، افعال، حالات و مواضع پیامبر اکرم - ص - و

ائمة معصومین - ع - و با اسلام، قرآن و مسلمانان مربوط

است و به انگیزه بررسی صحت و عدم صحت نصوص در این

موارد و نگرشی به دلالتها و اشارتها انتخاب شده است. این

یک زمینه ای وسیع در فرهنگ و معارف اسلامی است که

موضوعات متعددی را شامل می شود. اهمیت این نصوص و

پراکندگی آن در کتابهای مختلف تفسیر، رجال، تاریخ، فقه،

عقاید، علوم قرآن، انساب و غیره - که هر کدام در موضوع

جداگانه ای نگارش یافته است - اعتماد و اتکا به یک روش

واحد را ضعیف می کند. به عنوان مثال فی توان فقط به جنبه

رجالی در تحقیق نصوص اهتمام داشت و اکتفا کرد؛ چرا که

هر نص، زمینه و شرایط مخصوصی داشته و با توجه به آن باید بررسی شود. گاهی تحقیق در یک روایت نیازمند ابزار و نگرشی خاص است که در تحقیق دیگری به کار نمی رود.

از جمله مواردی که محقق در فرهنگ اسلامی باید رعایت

کند، شناخت صحیح از ناصحیح است. و در این راه باید به

کارآمدترین معیارها و ضوابط تکیه داشت. در طول تاریخ

اسلام محریف گران جاعل و حیلہ گر به گونه های مختلف،

تلاش در به انحراف کشانیدن فرهنگ اسلامی داشتند و

آمیختن روایات و نصوص به اسطوره های باطل و خرافی در

این تلاش سهم زیادی دارد. آنها برای حفظ این اباطیل و

خرافات و عدم پالایش فرهنگ اسلامی از آن، معیارهایی را

برای شناخت صحیح از ناصحیح وضع کرده اند که مخدوش و

غیرقابل اطمینان است. متأسفانه این معیارها، توانسته نزد

طبقه ای از مسلمانان، به صورتی علمی جلوه کرده و آنها را

قوت و صلابت ببخشد. به صورتی که می بینیم بخش

عمده ای از آن، فرهنگ مردم را ساخته و جزء زندگی آنها شده

است. و با کمال تأسف بعضی از افراد، با حسن نیت کامل به

این دام گرفتار شده اند و به آن معیارها تکیه می کنند.

کسانی نیز در طول تاریخ آگاهانه این طریق را برگزیدند و به

جرگه و عاظ السلاطین در آمدند تا به توجیه نظریات حکام

بپردازند و مزدی بگیرند و زندگی بکنند.

ما روایاتی داریم که میزان شناخت حدیث صحیح از

ناصحیح را عرضه احادیث به قرآن و هماهنگی محتوای آن با

آیات الهی می داند. اگر این روایات بی اعتبار شمرده شود و

از معمولات زندقیان به حساب آید، طبیعی است که قاعده ای

پیدا می شود که کتاب خدا بر سنت حاکمیت ندارد و سنت

حاکم بر قرآن است. بنابراین هر کس که بخاری از او روایتی

نقل کند، از پل صراط گذشته و منزّه است، ولو عمران بن

حطان خارجی باشد که عبدالرحمن بن ملجم را به خاطر قتل

امیرالمؤمنین در شعر خود ستوده است. بنابراین هرچه بخاری و

مسلم روایت کنند، صحیح شمرده می شود و جوهر منقولات

این صحاح حفظ می گردد و لو مناقشه های صوری پدید آید. اینجاست که نقل روایت از راویان شیعی منع شده و تشیع وسیله طعن می گردد؛ اما نقل از ناصبیها و خوارج و حتی امثال عمران بن حطان جایز می شود. کسانی که با تلاش گسترده، تاریخ و فرهنگ اسلامی را به اباطیل و خرافات آمیختند، معیارهایی برای تشخیص صحیح وضع کردند که نه تنها باطلی را نمی نمایاند، بلکه با حقایق در می افتد. هیچ جایی برای شك و تردید در روایات و احکام منقول از صحابه نمی بینند، ولو اینکه بعضی از آنان زشت ترین جنایتها را در حق دین و امت اسلام مرتکب شده باشند. چرا که ایشان را ثقات و عدول معرفی می کنند که با ارتکاب آنچه دیگران به واسطه آن فاسق می شوند، گردی به قبای ایشان نمی نشیند. آنان را علما و مجتهدینی معرفی می کنند که با فتوای ایشان حتی قتل نفوس محترمه - ولو از اوصیاء و فرزندان پیامبر باشد - جایز می گردد.

شواهد فراوان داریم که این جاعلان منحرف تلاش بسیار کردند تا برای عده ای از صحابه حق تشریح و جعل احکام ثابت کنند. گرچه این تلاش به شکست انجامید، اما آثار سوء آن باقی ماند. تا آنجا که آخوندهای درباری چنین حقی را به امراء و حکام اعطاء کردند. در این معیارها جایی برای عقل و احکام عقلی باز نشد و حتی این احکام، به کلی فاقد ارزش شد. اینجاست که زمینه برای ورود خرافات و اباطیل آماده گشت. چرا که عقل نمی توانست مخالفت خود را ابراز کند و پذیرشی برای احکام عقلی نبود. نقل حدیث از پیامبر را منحصر در احادیثی خاص کردند و با این افترا به پیامبر اکرم که ایشان اجازه دادند از بنی اسرائیل حدیث نقل شود، به علمای بنی اسرائیل اجازه نقل حدیث دادند و زمینه ورود اسرائیلیات را به فرهنگ اسلامی فراهم ساختند. بنابراین ما باید بر معیارهای درستی تکیه کنیم تا در پالایش تاریخ و فرهنگ اسلام از خرافات توفیقی بیابیم. معیارهایی که عقل می پسندد و خردمندان نیز علی رغم اختلاف بینشها و

نگرشها به آن اعتماد می کنند. معیارهایی که در عمل نیز نشان داده شده که قابل اطمینان است.

هنگامی که برای پی بردن به وثاقت افرادی که نامشان در سلسله سند روایتی آمده است، به بررسی رجالی دست می یازیم، از همان شیوه ای که خردمندان استفاده می کنند، سود می جویم. کسی را که مشهور به دروغگویی است یا دچار عارضه نسیان است، قابل اطمینان نمی دانیم. به قول افرادی که در تقویت نگرشی خاص از تزویر و قلب حقایق پروایی ندارند، اعتماد نمی کنیم. آنگاه که خبر را از جهت محتوا ارزیابی می کنیم، وجود تناقض با امور ثابت و مسلم یکی از عوامل رد خبر است. چه این تناقض در مسائل جغرافیایی و چه در ضروریات عقلی و استوار باشد. به عنوان مثال اگر در خبری آمده باشد که شهر مکه در کشور عراق است، یا بگوید که ناپلئون در قرن دهم میلادی می زیسته است، آن را رد کنیم. همچنین اگر خبری ادعا کند که حجم ماه و خورشید همان مقدار است که با نگاه غیر مسلح دیده می شود و یا بگوید کره زمین بزروی شاخ گاوی استقرار یافته است، یا اینکه شیئی واحد در آن واحد هم موجود است و هم معدوم، آن را نمی پذیریم. اگر خبری حاوی امور مخالف عقل و حکمت مسلم هم باشد، دلیل ضعف آن به حساب می آید. ما باید در تمیز صحیح از ناصحیح به این امور توجه کامل داشته باشیم. حال این خبر از هر طریقی می خواهد به ما رسیده باشد. برای ما چون ثابت است که قرآن از طرف خداوند حکیم نازل شده و محتوای آن صددرصد درست است و آنچه این امور را ثابت کرده معیارهای عقلانی قابل فهم برای تمام عقلاء است، طبیعی است که قرآن را ملاک تشخیص درست از نادرست قرار بدهیم. مضمون هر خبری که با قرآن هماهنگ نباشد، قطعاً نمی تواند درست باشد. همچنین ما قطع و یقین داریم که ائمه - ع - معصومند و مصون از خطا و اشتباه می باشند. بنابر این نمی توانیم خبری را که متضمن نسبت خطا به ایشان باشد، بپذیریم. و این برای ما يك ملاک

است؛ البته ملاکی که به دلیل عقلی و قابل فهم برای ما قطعی شده است. هنگام ارائه برهان بر ادعاهای خود نیز از طریق استدلال خارج نمی شویم و راه دیگری نمی پوییم. استنباط خود را بر گمان و حدس بنا نمی کنیم.

گفتگوی ما اقتضاء بررسی تمام مسائل را ندارد و ذکر تمام عوامل را بر نمی تابد. فقط از باب نمونه و تذکار مسائلی عرض می شود. شما از نقش تسلط بر تاریخ و دانستن وقایع تأریخی در فهم احادیث و تصوص دینی غافل نباشید. تمام حوادث در بستر تاریخی خود شکل می گیرد. انسان با زمان رابطه مقابل تاثیر و تاثر دارد. در طول تاریخ انسان متأثر از شرایط محیط و فرهنگ خود بوده و نیز بر آن تاثیر داشته است که این در تکوین و استمرار حوادث نقش بسزایی دارد و شکل عناصر حادثه و میدان عمل آن را تعیین می کند. این موارد در تحقیق باید به طور کامل لحاظ شود و عدم ملاحظه آن نقص بزرگی است. چرا که انسان در ادوار تاریخی مختلف و در مکانهای متفاوت، عواطف روحی و فرهنگ متفاوتی داشته و با تمایلات خاصی به مسائل می نگریسته است. این اختلاف بینش و فرهنگ از هرچه ناشی شده باشد، عمل و عکس العمل را متفاوت می کند که نباید در آن دقت کرد و در بررسی حوادث آن را ملاحظه کرد.

**آینده پژوهش: آیا باورهای کلامی نیز می تواند به عنوان معیار تشخیص صحیح از ناصحیح در اخبار و نصوص و قضایای تاریخی شمرده شود؟**

**استاد:** باورهای کلامی ما به دو بخش کلی تقسیم می گردد: باورهای قطعی که از حقایق ثابت حکایت دارد، مانند وجود خداوند سبحان، صفات جلال و جمال او، ارسال رسل و کتابهای آسمانی، شرایع و احکام و معجزات، نقش پیامبران در جامعه انسانی و هدایت آنها، امامت بعد از پیامبر اکرم، نقش و شخصیت امام در امت مسلمان. این گونه قضایای مسلم کلامی و آنچه باورهای یقینی و مسلم ما را

تشکیل می دهد، به طور حتم نقشی اساسی در شناخت صحیح از ناصحیح دارد. چرا که ما نمی توانیم خبر معارض با این باورها را بپذیریم. و این به صورت ناخود آگاه وجود دارد؛ چه ما بپذیریم و چه نپذیریم.

عقاید کلامی ما - خواسته یا ناخواسته - نقش بزرگی در تأیید و یا ابطال قضایا دارد. اگر روایتی از ظلم خداوند بر بندگان حکایت کند، ما در مردود دانستن آن منتظر بحث رجالی آن نمی شویم و بی درنگ آن را مردود می شماریم؛ اگر چه از موثقرین راه روایت شده باشد. ما که عقیده به عصمت انبیاء و اوصیاء الهی داریم، هر نصی را که در بر دارنده نسبت ناروایی به ایشان باشد، تکذیب می کنیم. این طریقه همه خردمندان است که عقاید مسلم و قطعی ایشان، معیاری قوی در شناخت ایشان به حساب می آید.

بخش دیگر باورهای کلامی ما ممکن است از مطالعه و دقت در زندگی مؤمنین صدر اسلام یا مردان بزرگ تاریخ ناشی شود. گزیدن این گونه باورها به عنوان معیار، مشکل است. چرا که ایمان و اعتقادات، تنها محرک انسان در اعمال و رفتار نیست؛ انگیزه های بسیاری او را به حرکت در آورده و به اعمال او نقش می دهند. هنگامی عمل یک فرد می تواند منشأ باوری درست باشد که ثابت شود فقط به انگیزه ایمان و اعتقاد درست شکل یافته است و ثبوت چنین امری جز برای انبیاء و اوصیای ایشان بسیار مشکل است، مگر با روایات صحیح یا قرائن دیگری ثابت شود که این امر نادر است.

**آینده پژوهش: چه مقدمات و وسائل جنبی را برای تاریخنگاری لازم و کارآمد می دانند.**

**استاد:** از آنچه تاکنون عرض شد، دانستیم که مطالعه و تحقیق در فرهنگ اسلام ویژگیهای خاصی دارد و دقتهای مخصوصی را می طلبد. تاریخ اسلام نیز از این قاعده استثناء نیست به ویژه آنچه مربوط به زندگانی نبی اکرم و اوصیای معصوم ایشان می گردد. چرا که گفتار، رفتار و تأییدات



جعفر مرتضی‌العالمی

## الصحيح

من سيرة النبي الاعظم عليه السلام وآله وسلم

الجزء الاول

دراسة وتحليل

١٤٠٦ هـ ق

اسلام و انبيای سلف و همچنين آنچه بر امتهاى گذشته، مورد اشاره قرار گرفته و به آن عنایت شده است. قرآن کتابی آسمانی است که هیچ گونه باطلی به آن راه نیافته است. و این خود از الطاف الهی و اختصاصی امت مسلمان است.

همچنين اگر روايات متواتر و آنچه دلائل قطعی بر ثبوت آن وجود دارد مورد ملاحظه قرار گیرد، نمای عمومی تاریخ اسلام و استخوان بندی اولیه تاریخ امتهاى سابق شکل می گیرد.

مشکل اساسی در نگارش تاریخ اسلام، شناخت جاعلان منحرفی است که به انگیزه های ناصواب، دروغهای خرافی را وارد تاریخ اسلام کردند. این جاعلان منحرف، توسط غاصبین مقام ولایت و خلافت اسلامی، اجیر و تقویت می شدند تا به دین و حوادث تاریخی رنگ دلخواه آنان را بزنند. در میان آنان، گاهی تازه مسلمانهایی بودند که به قصد تحریف دین از فرصت به دست آمده کمال سوء استفاده را می جستند. همچنین مزدورانی که در لباس آخوند درباری، شیطنت می کردند.

در این راستا، بسیاری از حقایق در معرض تحریف قرار

ایشان برای ما ملاک و معیار عمل است و ما گفتار و رفتار و تأییدات مجرد نداریم. یعنی هر کدام از اینها بستر و زمینه خاصی دارند و از جهات متفاوتی قابل مطالعه و استفاده است. غیر از اینکه هر کدام از اعمال، رفتار و تأییدات می تواند از جنبه های فکری، رفتاری، سیاسی، تاریخی، تفسیری و فقهی مورد مطالعه و استناد قرار بگیرد، زمینه و بستر آن نیز باید مطالعه شود. بنابراین محقق در تاریخ اسلام لازم است غیر از داشتن دقت نظرکافی و نکته سنجی، احاطه کاملی بر تمام معارف و علوم اسلامی داشته باشد و در بررسی تاریخی خود آگاهی گسترده از سیاستها و حوادث تاریخی قبل و بعد و معاصر موضوع خود داشته باشد. کسی که در تاریخ پیامبر اکرم و ائمه معصومین تحقیق می کند، نمی تواند تنها به نگاشته های ابن هشام، طبری، یعقوبی، مسعودی، مقدسی و دیگران اکتفاء کند و در پی آن به اظهار نظر بپردازد. چرا که این تحقیق بسیار حساس و خطیر است. اگر خطایی در اینجا واقع شود، آثار سونی در عقاید، آداب و سایر شؤون زندگی مردم به جا می گذارد و آنان را به لغزشگاههایی می کشاند که راه نجات از آن ساده نیست.

### آینده پژوهش: مشکلات نگارش یک تاریخ تحلیلی صحیح و استوار اسلامی را چه می دانید؟

استاد: البته موانعی نیست که از میان برداشتن آن محال باشد. مشکلات مهمی نداریم که ارائه تصویری روشن از تاریخ اسلام را غیر ممکن سازد. خطوط کلی تاریخ اسلام، قابل بهره برداری و استفاده است. علی رغم مسائل و موانع زیادی که بر میراث فرهنگی اسلام گذشته، هنوز این میراث از غنی ترین میراث فرهنگی بشر است و در نزد هیچ امتی چنین مجموعه عظیمی نیست. در این مجموعه، نصوص قطعی السنندی محفوظ مانده که ما را به دقیقترین خطوط زندگی پیامبر اکرم و ائمه اظهار راهنمایی می کند. غیر از اینکه در قرآن، بسیاری از حوادث و جزئیات زندگی پیامبر

می کند. پیامبر و ائمه در مکانی واقع می شوند که هیچ کس تصور الکو پذیری از آنها را نمی کند و به طور طبیعی، متابعت و پیروی از ایشان به بوتۀ فراموشی سپرده می شود. نمایانند ائمه به عنوان شخصیت‌هایی کاملاً ویژه و استثنایی، آن بزرگواران را از جامعه دور کرده و زمینه ارتباط امت با امام را مسدود می کند. همچنین چهره ایشان را تنها از زاویه مسائل سیاسی نگرستان، ویژگی‌های دیگر ائمه را می پوشاند و نقش آنان را در هدایت انسان در سیر تکاملی به سوی هدفهای والای الهی به فراموشی می سپارد. به این لحاظ ما در تاریخ پیامبر اکرم و ائمه معصومین نیازمند پژوهشهای جامعی هستیم که یک بعدی نبوده و تا حد ممکن ابعاد متفاوت زندگی آن بزرگواران را مورد ملاحظه قرار دهد.

**آینده پژوهش: اگر تاثیر پذیری تاریخ نگارهای گذشته را از حاکمیتها بپذیریم و نقش آن را گسترده بدانیم، در يك پژوهش تاریخی چگونه می توان از آن اجتناب کرد؟**

استاد: تاریخ اسلام از ویژگی‌هایی برخوردار است که با تاریخهای دیگر قابل مقایسه نیست و برای آن باید حسابی جدا باز کرد. اسلام به لحاظ اینکه يك شریعت فراگیر نسبت به تمامی ابعاد وجود انسان است، طبیعتی خاص در صحنه فکر و عمل دارد؛ گرچه مسوولیت کل انبیاء تنها به تبلیغ رسالت منحصر نمی گردد. بلکه شامل تربیت و تزکیه، رهبری امت و حراست از دستاوردهای انسانی و حیاتی آنان می شود و پیامبران، معلم، مربی، حاکم، قاضی، فرمانده، و سیاستمدار بودند. اما این خصوصیات در پیامبر اکرم، از قوتی خاص برخوردار بوده و به آن توجه بیشتری شده است. تا آنجا که نسبت به مردم از خود آنان اولی تر بود. این ویژگی را خداوند متعال به ایشان بخشید و البته این مقام به لحاظ شخصیت عالی و خصوصیات منحصر به فرد حضرت کسب شده بود. مردم موظف شده اند که از این شخصیت عالی و انسان کامل

گرفت و خرافات زیادی پایه زندگی مردم گذاشت و در تفکر و آداب و عادات ایشان ریشه دوانید. این امر اگر چه وصول به حقیقت را دشوار ساخته است، اما غیر قابل دسترسی نگردانده است. کاوشی بیشتر و دقتی درخور می خواهد تا معیارهای صحیح، گزینش و بر آن اعتماد شود. باید بدانیم که شیعه در طول تاریخ، به لحاظ دور بودن از دستگاههای ظلم و جور و حفظ ارزشهای اعتقادی و اصالتهای مکتبی خود، همواره از این وعظ السلاطینها به دور بوده و به اباطیل آنها اعتقاد نداشته است. به این لحاظ، به روایات و نصوص منقول از شیعه، بهتر می توان اعتماد داشت و درصد بیشتری از حقایق را در آن یافت.

**آینده پژوهش: در میان مجموعه های پژوهشی موجود در فرهنگ اسلامی، جای چه پژوهشی را خالی می بینید؟**

استاد: من در مقدمه کتاب حیات فکری و سیاسی امامان شیعه تالیف برادر فاضل آقای رسول جعفریان به پاره ای از این بایسته ها و کمبودها اشاره کردم. آنچه در اینجا می توانم عرض کنم این است که ما در زمینه حیات پیامبر اکرم و ائمه معصومین نیازمند پژوهشهایی عاری از افراط و تفریط هستیم. چرا که اکثر پژوهشها در این زمینه به افراط و تفریط آمیخته شده است. برخی فقط به جنبه فضائل، کرامات و ذکر معجزات پرداخته اند و گویا نبوت و امامت را تنها در این مسائل می دیده اند و چندان به این خصوصیات تکیه کرده اند که گویا تمام نبوت و همه امامت، همین است و بس. متقابلاً برخی پژوهشها با دید مادی نگاشته شده و بر محور مسائل سیاسی تمرکز یافته است. مجموعه حیات آن بزرگواران را از زاویه حاکمیت و دولت و موضع گیریهای سیاسی ایشان بررسی کرده است. اختصاص دادن تاریخ ایشان به مسائل غیبی، کرامات و معجزات، ائمه را از متن زندگی مردم و آرمانهای ایشان جدا

# الحیة السیاسیة

## للإمام الرضا (ع)

درسیة و تحلیلی

بود که آنها برای ضربه زدن به اسلام از آن حداکثر استفاده را کردند.

این مشکلی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم، در طول زمان پر فرهنگ اسلام عارض شده است. بنابراین محقق تاریخ باید به این امور توجه کامل داشته باشد.

اینجاست که اهمیت مراجعه به اهل بیت نبوت و معدن رسالت در اخذ معارف اسلامی روشن می‌شود. مطمئنترین راه اخذ این معارف، استفاده از منابعی است که در نهایت خلوص و صفای آن را به ما می‌رساند. در این اخذ ما باید بر طبق معیارهای علمی و صحیح، سره را از ناسره باز شناسیم؛ البته در یک پژوهش درست و بی طرف در تاریخ اسلام ضرورت این دقت و بازشناسی صحیح از سقیم مشخص می‌شود. چرا که محقق می‌باید نقشه های آنان را که به ناحق پرمسند خلافت اسلامی تکیه زدند، بشناسد و بشناساند. آنان که خود را جانشین پیامبر معرفی می‌کردند، طبیعی است که باید از عهده آن مسوولیتها برآیند، و چون عاجز بودند، حیلها، اندیشیدند و انحرافات ایجاد کردند. کسانی چون عبدالله بن سلام، کعب الاحبار و قیم الداری، تازه مسلمانهایی بودند که خود را به دستگاه خلافت نزدیک کردند و اهداف و انگیزه های خود را با نیاز غاصبین خلافت پیوند زدند. آنان تا آنجا که توانستند، با جعل حدیث و ایجاد تحریف در آن،

در به دست آوردن خیر دنیا متابعت کنند. با رحلت پیامبر اکرم، این امور مهم (به جز ابلاغ وحی) تعطیل نگشت و ادامه آن مسوولیتهای سنگین به عهده ائمه معصومین نهاده شد. جانشینان پیامبر نیز انسانهای کاملی بودند که خداوند آنان را برای ادامه این مسوولیتهای بزرگ انتخاب کرده است. پیامبران در طول تاریخ همواره با جباران و طاغوتها درگیر بودند؛ چرا که طاغوتها هیچگاه جز به سلطنت خویش نمی‌اندیشیدند و حاضر نبودند به هیچ قیمتی امتیازات ظالمانه خود را از دست بدهند. آنان همواره می‌کوشیدند تا با تمام توان، آثار پیامبران الهی را به نحوی از میان ببرند. همچنین جبارانی که در طول تاریخ اسلام جایگاه خلافت اسلامی را به ناحق غصب کرده بودند و به ظاهر خود را حامی شریعت و حافظ اسلام معرفی می‌کردند و به ادعا، همت خود را در پیاده کردن وظائف می‌دانستند. آنان مزورانه مسیری انحرافی را برگزیده بودند که به هدم شریعت اسلام می‌انجامید. چرا که نادان عهده دار تعلیم و تربیت شده بود و ظالم منادی عدالت گشته بود و خائن امین شمرده می‌شد و عامل به منکر، ناهی از آن شده بود. این غاصبان جایگاه ولایت برای حفظ موقعیت خود به هر تپاکی دست یازیدند و برای رهایی از اعتراض توده های مسلمان، دست جاعلان منحرف و آخوندهای درباری را در توجیه اعمال خود و جنایات بی شمار خویش بازگذاشتند. اینان نیز ضمن استحکام سلطه آن غاصبان، اهداف پلید خود را تعقیب می‌کردند. در این راستا، نقل روایت از پیامبر اکرم منع شد؛ نصوص زیادی که شرائط امام و خلیفه مسلمین را بیان می‌کرد، از میان رفت و به جای آن روایات جعلی و دروغ رواج پیدا کرد. جانشینان به حق پیامبر کنار زده شده و به انزوا کشیده شدند. غاصبین خلافت اسلامی که خود را مواجه با انبوه مشکلات و سوالات می‌یافتند، متأسفانه از کسانی کمک می‌جستند که بعضاً تازه مسلمانهایی بودند که به انگیزه های شخصی و هدفهای ناپاک مسلمان شده بودند. و این فرصت خیلی خوبی



ضربه به پیگر دین زدند، و هرچه هم که نتوانستند به شاگردانشان واگذاشتند. نقل احادیثی از این قبیل که: از بنی اسرائیل روایت نقل کنید؛ توانست راه زیادی از اباطیل و خرافات را به فرهنگ اسلام باز کند.

قیم الداری، نصرانی الاصل و اولین کسی بود که در مسجد پیامبر ص. به قصه گویی پرداخت و به دنبال آن، قصه گوها زیاد شده و نقل قصص رواج یافت. تا آنجا که عده‌ای قصه گو همراه معاویه بودند که مردم شام را علیه مردم عراق تحریک می کردند و با جعل روایات به تهییج آنها می پرداختند. و این در حالی بود که رفته رفته نقل روایت از پیامبر ممنوع می شد و متخلفین مجازات می شدند. فتوحات سریع و گسترده جمعیت‌های جدید را به جمع مسلمانها می افزود. کسانی که تازه با اسلام آشنا می شدند و با گذشته آن ارتباطی نداشتند، طبق جو غالب به راحتی گفته های فساحسین و حکام را می پذیرفتند و به اسلام حکومت درمی آمدند. خود این لشکرهای فاتح نیز در غفلت و جهل دست کمی از مغلوبین نداشتند. یکی از این سپاه فاتح که ابوموسی اشعری نیز در میان آنان بود، نمی دانستند که آن کس که محدث می شود باید وضو بگیرد یا نه؟ و این برای ایشان سوال بود؛ تا اینکه ابوموسی فردی را برای اعلام این مسأله مامور کرد. این جهل و بی خبری و همچنین گروههای زیاد تازه مسلمانان شده، خود نیز زمینه مساعدی برای نشر دروغ و اندیشه های خرافی بود. تا آنجا و عاظ السلاطین قدرت پیدا کردند که حتی در تصمیم گیریهای دارالخلافه به گونه مستقیم دخالت می کردند. این مسائل در تاریخ اسلام پوشیده نیست و با کمی توجه به دست می آید.

ائمة معصومین - سلام الله عليهم اجمعین - و شیعیان خالص ایشان همواره به مانند سدی قوی در مقابل اینگونه انحرافات می ایستادند. گرچه ایشان از زمامداری مسلمین به ناحق کنار زده شده بودند، اما در سنگر حراست از اصالت فرهنگ اصیل اسلام مبارزوی خستگی ناپذیر بودند که رنج

معرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی زندان و شکنجه و شهادت آنان را از هدف باز نمی داشت. ایشان همواره به تکذیب اباطیل و ادعاهای دروغ می پرداختند. مقابله ابوذر با فتوای ناهق کعب الاحبار در نزد خلیفه سوم نمونه ای کوچک از این مورد است. بنابر این تاکید می کنم که باز شناسی فرهنگ و میراث حقیقی اسلام از آنچه تنها عنوان اسلامی را دارد، کاری است مشکل و از وظایف اولیه و حتمی محقق در تاریخ اسلام به شمار می رود.

**آینده پژوهش: حضرتعالی در زمینه علوم قرآنی نیز پژوهشهایی داشته‌اند، لطفاً در این زمینه نیز یافته‌ها و نظریات خود را بیان کنید.**

**اسعاه:** آنچه من در زمینه علوم قرآنی یافته‌ام در یک جمله این است که در این زمینه نیاز به تحقیق و بازنگری بیش از زمینه های دیگر ضروری است. چرا که مسائل زیادی در این زمینه از مسلمات شمرده شده است که این گونه نیست و یک تحقیق درست با تکیه بر معیارهای صحیح، خلاف آن را ثابت می کند. از این رو در اینجا نباید به آنچه همه بر آن اتفاق ورزیدند اکتفا و اعتماد کرد. از باب نمونه قرائتهایی که راویان به پیامبر اکرم - ص - و بعضی از صحابه نسبت می دهند که حاوی برخی زیاده‌ها و نقصانهاست، احتیاج به بازنگری و تحقیق دوباره دارد.

موضوع نسخ تلاوت با تمامی تفصیلات و شواهد آن و نیز موضوع جمع آوری قرآن در روزگار خلفا، و نزول قرآن بر هفت حرف و نظائر آن که بسیار زیاد است، باید مجدداً مورد تحقیق قرار گیرد. در اینجا مسائل متعددی است که اصل آن درست و از حیث مبدءاً بلاشکال است. اما در بسیاری از جزئیات آن نیاز به نگرشهای عمیق و تحقیقی احساس می شود. مانند کتابی که به نام مصحف علی - ع - و مصحف فاطمه - س - شناخته شده و همچنین موضوع ترتیب سوره ها و نزول آنها و نظائر آن.

همچنین در زمینه علوم قرآنی اقوال باطل و تشکیکهای همراه کننده ای وجود دارد که باید به آن پرداخت. چرا که اگر حقایق به گونه درست روشن نشود، آثار سوء و غیر قابل جبرانی را فراهم می کند. از جمله این موارد موضوع تحریف قرآن است. انگیزه بنده در کتاب حقائق هامة حول القرآن الکریم پرداختن به این موضوع بوده است و خواستم این نسبت نادرست را بزدایم؛ نسبتی که معمول جاعلان و دشمنان اسلام است. مسائل این کتاب یکسره حول همین محور است.

**آینه پژوهش: تحقیقات شما در کتاب السوق فی ظل الدولة الاسلامیة می تواند به خوبی بحث فقهی در این زمینه را یاری رسانده و به آن کمک کند. حضرتعالی نقش تحقیقات تاریخی را در رشد مباحث فقهی چگونه ارزیابی می کنید؟**

**استاد:** بدیهی است اسلام دینی است که می خواهد به زندگی انسان نظم داده و جنبه های مختلف آن را در جهت اهداف الهی سوق دهد. و مسلم است که زندگی انسان در طول زمان دچار تحولات و دگرگونیهای زیادی شده و می شود؛ چرا که محیط اجتماعی و شرایط معیشتی او دگرگون و نیازهای او متفاوت می گردد. در زمان حضورائمه - علیهم السلام - امت مسلمان می توانست از ایشان یاری جست و مسائل جدید خود را بشناسد و نیازمندیهای جدید خود را مرتفع کند. شناخت چگونگی برخورد ائمه - علیهم السلام - با مسائل جدید برای ما خیلی راهگشاست. چرا که فهم و آگاهی بیشتری را نسبت به احکام اسلامی و چگونگی بهره مندی از آن به دنبال دارد.

مسلمانها برای دریافت پاسخ مسائل جدید باید به اهل ذکر- که عالمان دینی هستند - مراجعه کنند. و علما بدون شك با مطالعه دقیق در چگونگی برخورد ائمه با مسائل جدید بهتر می توانند از متون اسلامی بهره بگیرند. البته تحولات اجتماعی و پیشرفتهای علمی خود باعث آشکار شدن گنجهای

نهان در فرهنگ اسلامی می شود. تحولات تاریخی و اجتماعی پرده از چهره بسیاری از معارف بلند اسلام بر گرفته و می گیرد. معارفی که تا گذشته چندان مورد توجه و عنایت نبوده است؛ امروز چهره دیگری می یابد. طبیعت معارف و احکام اسلام به گونه ای است که در برخورد با تحولات تاریخی و اجتماعی دچار کهنگی و عقب ماندگی نمی شود و به گونه ای زنده با زمان پیش می آید و هیچگاه تنها به عنوان احکام ذهنی و معارف عقلی محض که قابل پیاده شدن نباشد، مطرح نمی گردد. بنابراین درک درست بسیاری از نصوص نیازمند آگاهی کامل از زمان، مکان و شرایطی است که در آن صادر شده است. محیط و عکس العمل آن را در مقابل نصوص صادره باید بشناسیم. شناخت این موارد ما را در فهم حدود، قیود و درک اشارات و لطایف آن یاری می کند. در کتاب السوق فی ظل الدولة الاسلامیة، نگاهی چنین داشتیم. نمونه های عمل در اتخاذ تدابیر لازم از طرف ولی امر و حاکم در باره بازار ذکر شده است و تلاش شده تا نشان داده شود که این تدابیر از نوع تطبیق احکام اولیه و ثانویه شرعی چون قاعده لاضرر، لاجرح یا ضرورت و امثال آن نبوده است، بلکه اجرای تدابیر مستقل با ویژگی مخصوص به خود بوده است. این کتاب با حجم اندک خود می تواند نمایانگر میزان تاثیر شناخت واقعیات خارجی در شناخت طبیعت نصوص صادر شده و اهداف آن باشد و به خوبی می رساند که این شناخت فضای گسترده ای را برای فهم بهتر نصوص و استفاده کامل از آن را فراهم می آورد.

**آینه پژوهش: شما يك محقق خوب را دارای چه ویژگیهایی می دانید؟**

**استاد:** زیور صبر و شکیبایی در کسب توفیق بیشتر نقش عجیبی دارد. آراستگی محقق به این زیور تحمل دشواریها را برای او ساده و او را در رسیدن به اهداف بلند یاری می کند. تیزهوشی و دقت در کاوش، حدسهای او را به

منسجم و آگاهانه در حافظه خود آن را نگه دارد. در این گونه آثار باید هر نظری به صاحب آن و هر قولی به قائل آن نسبت داده شود و با دقت کامل به درج منابع و مراجع به گونه تفصیلی پرداخته شود.

اما ویژگی دوم يك اثر تحقیقی مربوط به محتوای آن است. يك اثر تحقیقی نخست باید حکایت از آزاد اندیشی و بی طرفی محقق بکند؛ چرا که نگاه غیر آزاد نمی تواند چندان عمیق و فراگیر باشد. حال آنکه لازمه اثر تحقیقی خوب، فراگیری قام جوانب بحث و بررسی کامل آن است. کلیه مباحث باید به مبادی و نتایج آن مربوط باشد و بر ضابطه و معیارهای عام و کلی تکیه کند تا خواننده بتواند بدون زحمت زیاد از آن بهره کافی را بگیرد و مباحث را تعقیب کند.

**آینده پژوهش: گفتمی شود که حضرت تعالی در تحقیقات خود بیشتر مسائل اختلافی را مطرح می کنید؛ نظر حضرت تعالی نسبت به وحدت اسلامی چیست؟**

**استاد :** چه خوب شد که این سؤال را مطرح فرمودید. نخست بد نیست به این نکته اشاره کنم که قبل از بیان وحدت اسلامی باید معنی آن را بررسی کنیم. حضرت امام خمینی -رحمة الله علیه- پیش از هر کس دیگر منادی وحدت مسلمین بودند و در این راه تلاش کردند، اما در عین حال مسأله امامت و حدیث ثقلین و دیگر مسائل مورد قبول شیعه را به گونه مفصل در وصیتنامه الهی - سیاسی خود مطرح فرمودند. و این هیچ منافاتی با روحیه وحدت طلب ایشان ندارد؛ چرا که بیان مسائل مورد اختلاف اگر به منظور تبیین حقایق و روشن نمودن آن باشد و در جو سالم و بدون هیاهو مطرح گردد، نه تنها ضربه ای به وحدت نمی زند؛ بلکه زمینه را برای يك وحدت اسلامی و مستحکم نیز فراهم می کند.

تحقیقات علمی و سر و کار داشتن با برهان و استدلال، لازمه اش بیان مسائل اختلافی است. شما در اینجا نمی توانید

واقعیات نزدیکتر می کند و کمک خوبی برای اوست. محقق از این راه، ساده تر به نصوص تاریخی در کتابهای مختلف و فهم رابطه و تاثیر و تاثر از یکدیگر نائل می شود و تفسیر آنها برای او راحت تر می گردد. محقق باید قدرت تشخیص جزئیات و ارجاع درست آن به کلیات را داشته باشد. آشنایی و مهارت در علوم مختلف اسلامی، بهره برداری او را کامل و نتایج تحقیق او را دقیقتر می کند. همچنین تسلط او بر معیارهای صحیح در تحقیق، حاصل زحماتش را از خطاها دور می کند و اعتقاد او به آنچه فراهم آورده است، زمینه پذیرش بهتر را برای تحقیقاتش فراهم می سازد. داشتن قدرت ارائه بهتر با قلم و بیانی روشن، میزان بهره برداری از آثار او را بالا برده و استقبال از آن را می افزاید. دارا بودن شجاعت لازم در ارائه حقایق تاریخی اعتماد به آثار او را افزایش می دهد.

**آینده پژوهش: يك اثر تحقیقی و مقبول دارای چه ویژگیهایی است؟**

**استاد :** اصولاً محققى که ویژگیها و شرایط لازم را داشته باشد، آثار خوبی خواهد داشت. شرایط يك محقق خوب و شرایط يك اثر تحقیقی خوب، هم آغوشند. اما در يك نگاه جداگانه، ویژگیهایی را که برای يك اثر تحقیقی و مقبول می توان شمرد، به دو قسم تقسیم می شود: یکی آنچه مربوط به شکل و صورت تحقیق می شود، همچون سلامت ترتیب و نظم ابواب و انسجام مطالب. این جدا از استحکام مطالب و مستانت آن است. يك متن تحقیقی باید عاری از هر گونه گزاره گویی و زیاده گویی باشد. مطالب باید با عبارات زیبا و روان بیان شده باشد. در آثار تحقیقی بحثهای استطرادی و حاشیه ای موجب پراکندگی مطالب گشته و ذهن خواننده را پریشان می کند. بحثها باید به گونه کامل به هم مربوط و بایک نظم درست و منطقی به هم پیوند داشته باشد تا موجب خلط مباحث نگردد. مطالب مهم باید در عبارات متوالی به گونه منظم و سلسله بندی شده بیاید تا خواننده بتواند به نحو

مسائل اختلافی را مطرح نکنید؛ چرا که تحقیقات شما ناقص خواهد شد. اینجا باید زبانی صریح، قاطع و علمی داشت و با استدلال کامل مواضع اختلاف را بیان و به تشریح حقایق پرداخت. و این متفاوت است با جوهای ناسالم و غیرعلمی که مطالب اختلاف انگیز در سطح نامناسب و به انگیزه های ناسالم مطرح می شود. مقام این دو را باید از یکدیگر باز شناخت.

ما باید به شدت از جوهای مسموم و ناسالم پرهیز کرده و مانع وجود آن بشویم؛ اما نباید از بیان عقاید حق خود و استدلال در باره آن عاجز باشیم. البته ما باید به استقبال واقعیات رفته و آنها را بپذیریم و از هیچ واقعیتی سربرنتابیم. روحیه علمی چنین اقتضایی دارد و نباید هیچ کس از آن گله مند باشد. عالم تحقیق و علم، مجامله و مدارا و پرده پوشی را بر نمی تابد. حقیقت گمشده انسان است که باید در سایه تحقیق درست و بی طرف به دست آید.

ما در حیطه گسترده ای از مسائل قانونگذاری، اعتقادی، تفسیری و تاریخی، اختلافاتی داریم که باید با ادله کامل و روشن بیان شود و نمی توان آن را نادیده گرفت. البته این اختلافات وظیفه بسیار سنگینی را بر دوش کسانی می گذارد که می خواهند نقشی در بیداری امت اسلامی داشته باشند. پیداست که این مسائل اختلافی نباید هیچگاه به تفرقه و درگیری منجر شود؛ بلکه باید کلیه تلاشها بر ایجاد وحدت - آن گونه که مورد رضایت خداوند است - قرار بگیرد.

خداوند سبحان از همه مردم می خواهد که امتی یگانه باشند: **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون.** خداوند بر این امت شریعتی یکتا و دینی یگانه فرستاد و برای آن هدفی واحد معین کرده است.

**آینده پژوهش؛ حضرتعالی چشم انداز تحقیقات جدیدی را که در حوزه علمیه شروع شده چگونه می بینید؟**

## عوامل رشد و توسعه این تحقیقات را در ارتباط با

### سازمان حوزه چگونه ارزیابی می کنید؟

استاد: از جمله برکات فراوان انقلاب اسلامی در ایران، بیداری مسلمانان و توجه غیر مسلمانان به اسلام است. امروز وسائل ارتباطی، دنیا را به صورت يك مجموعه به هم پیوسته و نزدیک درآورده است. برپایی يك دولت اسلامی که بخواهد بر اساس معارف الهی جامعه را اداره کند برای دنیا قابل توجه و مطالعه است. از این رو دیده ها متوجه منابع غنی و پربار اسلام شده است که چگونه می شود با آن، جامعه امروزی را اداره کرد. در این راه سنگینترین وظیفه به عهده دانشمندان مسلمان است که زمینه بازگشت به منابع غنی اسلام و بهره برداری از آن را فراهم کنند. حوزه های علمیه و به ویژه حوزه علمیه قم در این زمینه باید تلاش بسیار داشته باشد. ما باید به خوبی از عهده این وظیفه برآیم و به دنیا نشان بدهیم که معارف غنی فرهنگ اسلام می تواند زندگی انسان امروز را بهتر از هر فرهنگ دیگری هدایت کند. شور و تحرکی که در زمینه مسائل تحقیقاتی در فرهنگ اسلام می بینیم، قابل شکرگزاری است. اما کافی نیست، چرا که نیاز فراتر از آن است و ما باید متناسب با آن تلاش کنیم. نهادهایی که برای کار در زمینه های مختلف تحقیقاتی تشکیل شده، خوب است؛ اما کافی نیست. امیدواریم که اهتمام لازم به این مهم شود.

در این راستا ما باید از گروههای پر تلاش مخلص که غیرت دینی دارند، استفاده کامل ببریم. البته بعد از اینکه آموزشهای لازم و کافی را دیدند. همکاری و فواید بسیار آن را نیز نباید از نظر دور داشته باشیم. تمام مؤسسات تحقیقی ما باید رابطه صمیمی و نزدیکی با یکدیگر داشته باشند و در راستای اهداف مقدسشان یکدیگر را یاری بکنند. در این صورت انتقال تجربیات ممکن می شود. منابع گسترده تر فراهم می آید، از دوباره کارها و تکرار جلوگیری می شود و بر دقت نظر افزوده می گردد. چرا که کارهای گروهی و

صمیمیت‌های جمعی برکات فراوانی دارد. امیدواریم به همت صاحبان همت بلند و دانشمندان با تجربه هر روز شاهد شکوفایی نهادهای تحقیقاتی مخلص در زمینه فرهنگ و معارف غنی اسلام باشیم.

**آینه پژوهش: حضرت تعالی تاکنون کتابهای بسیاری منتشر کرده‌اید؛ آیا در نشر کتاب مشکلاتی داشته‌اید؟ اگر چه جواب مثبت است، اشاره به آن می‌تواند مفید باشد.**

استاد: يك مشکل عمومی که متأسفانه بسیاری از ناشران ما دارند - حتی ناشرانی که از اموال غیرشخصی اداره می‌شوند - تجاری فکر کردن آنهاست. باکمال تأسف بسیاری از ناشران ما چنان که باید احساس مسؤلیت نمی‌کنند و در برخورد با مؤلف و تالیف، انگیزه خدمت به علم و جامعه علمی را ندارند. ناشران که باید به قصد تعالی فرهنگ جامعه و رشد مسائل فرهنگی، برخوردی تشویق‌آمیز و مسؤولانه با مؤلفین داشته باشند تا از این راه مقداری از مرارت‌های دوران پژوهش آنان برطرف شود، چنان برخوردی دارند که نه تنها خستگی و مرارت را به تن مؤلف باقی می‌گذارند؛ بلکه به آن نیز می‌افزایند.

هنگامی که بین يك اثر حماسی که در مدت کوتاه و بدون نیاز به تلاش عقلانی سنگین فراهم آمده، با يك اثر تحقیقی که تلاش بسیار برای دست یافتن به مصادر و منابع آن انجام شده یکسان نگریسته شود، و ملاک امتیاز تنها تعداد صفحات باشد، خستگی به تن محقق می‌ماند. محقق که سال‌ها دراز با تلاش بسیار به هدف خدمت به فرهنگ و تعالی آن کوشیده است.

شکفت انگیز است که بعضی از ناشران به لحاظ مقدار حق التالیفی که می‌پردازند، چنان بر مؤلف منت می‌گذارند که گویی زندگی او را اداره می‌کنند. در حالی که این مقدار حق التالیف، بهای رونویسی يك کتاب نیز نیست. اگر

به مؤلف به دینة رونویس کننده هم نگاه نکنیم، باز حق او بیشتر است. پس چه جای منت؟!

اگر مؤلف و محقق در تلاش به سوی تعالی و رشد فرهنگ گام بر می‌دارد، باید او را حمایت کرد. حداقل نباید حرکاتی صورت بگیرد که روحیه تحقیق و ژرفنگری را از بین ببرد.

تأسف آور است که گاهی برخی از ناشران به جز سود به مسأله دیگری نمی‌اندیشند. گاهی در شناسنامه کتاب تیراژ آن ۲۰۰۰ ذکر می‌شود؛ اما در محاسبه با مؤلف ۱۰۰۰ عدد محاسبه می‌شود! و توجیه می‌کنند که عدد ۲۰۰۰ به لحاظ دستیابی به کاغذ ذکر شده است که این درست نیست. و گاهی نیز اثر مؤلفینی را بدون هیچ گونه اجازه و هماهنگی، ترجمه و تجدید چاپ می‌کنند.

حداقل انتظاری که ما از ناشران داریم این است که رنج تحقیق و تالیف آثار گرانقدر علمی را درک کنند و به آنچه می‌تواند در خدمت و تعالی فرهنگ قرار بگیرد، به صورت کالای تجاری ننگرند؛ چرا که مؤلف، تولید کننده يك کالای خوراکی و صنعتی مصرفی نیست.

گفتنی است که برخی از مؤلفان و محققان نیز با تألیف و تحقیق این گونه برخورد می‌کنند، که این نیز در جهت کم‌بها ساختن ارزش پژوهش و دانش است.

به هرحال برای تعمیم و تعمیق و گسترش ابعاد تألیف و تحقیق باید جایگاه والای آن در جامعه به درستی شناسانده شود، و مسؤولان فرهنگی جامعه بدان توجه کنند و ارج نهند.

\*\*\*

